

Representations of Gender Roles in University Textbooks on Iranian Medieval History based on Van Dijk's Discourse Analysis

Maryam Taherzadeh¹

Zahra Abolhasani Chimeh^{2*}

Zohair Siamian Gorji³

Received: 27/04/2019

Accepted: 26/06/2020

Abstract

Ideology is the essential belief of a group with special political, social and religious opinions. This study follows Van Dijk's discourse analysis approach which introduces the distancing strategy to explain the ways in which writers promote the positive characteristics of "us" by marginalizing the positive characteristics of "them". Historical accounts in educational textbooks are, likewise, a place for the representation of such ideological constructs which are hidden in the accounts and narratives of the realities of the past. The present paper studies Persian and translated history textbooks (on the Samanid, Ghaznavid, Saljuqid, and Qarakhanid periods) in which the gender differences between men as "us" and women as "them" can be detected. The findings of the paper indicate that, firstly, both Iranian and foreign authors have mentioned few names of or roles for women, and, secondly, both groups of writers only emphasize the role of women in connection to marriage, and, thus, ignore the important part women played in Iranian history. This biased representation of women in history textbooks, which, ultimately, favours men, affects the students' perception of gender roles.

Keywords: Critical Discourse Analysis, Ideology, Gender Roles, University History Textbooks, Iranian Medieval History

1. PhD in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

*2. Associate Professor, SAMT Organization, Tehran, Iran. E-mail: zabolhassan@hotmail.com

3. Assistant Professor in the Department of History, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Extended Abstract

1. Introduction

Van Dijk (2004) believes that ideologies, as a system of the ideas of social movements and groups, not only reflect different groups' understanding of the world but are also a basis for the social action of all members of the group. Jaan Mikk (2000) holds that textbooks shape the destiny of a nation. They reflect ideological, gender and social policies of a country. The present study adopts Van Dijk's approach to comparing gender representations in four textbooks written by the Iranian historian Abolqasem Forouzani on Iranian history and two other history books in *The Cambridge History of Iran* series on the same period translated by Hassan Anousheh.

2. Theoretical Framework

Van Dijk's approach is adopted in the present article to study the representations of gender in some Iranian history textbooks written by Iranian and Western historians. In this study men are referred to as "us" and women as "them" and the ideology of gender is investigated in both groups of textbooks.

3. Methodology

All the words used in both groups of books were counted and the ones related to men and women were identified in order to be compared in both groups. The t-test was conducted to see whether the differences were significant or not.

4. Discussion and Analysis

Compared to non-Iranian historians, Iranian historians, influenced by the scholars of Iranian medieval period, have used men's names more than the women's in their accounts of historical events. According to Van Dijk, power and dominion can be expressed by marginalizing some members of the group, which is usually carried out by ignoring them or not accepting them. In the textbooks by Iranian historians, women are depicted as submissive and unimportant, resulting in underestimating their role throughout history.

5. Conclusion

The findings of the present study indicate that the ideology of gender inequality in university history textbooks in Iran underestimates the role of women in the history of the country by non-critical reconstruction of gender roles in Iranian medieval history. Moreover, it plays a great part in shaping the worldview of university students toward gender roles. Given the significant role of school and university textbooks in institutionalizing different ideologies in students at schools and in universities, the findings of this study can help us understand the ways in which ideologies are reproduced in the history books by Iranian authors and the translated history books written by non-Iranian historians and scholars.

Bibliography

- Both, A. 2003. *Teaching History at University: Enhancing Learning and Understanding*. London: Blackwell.
- Boyle, J. A. 1385 [2006]. *Tarikh-e Iran Cambridge az Amadan-e Slajuqian ta Forupashi-e Dowlat-e Ilkhanan*. H. Anousheh (trans.). Tehran: Amirkabir.
- Forouzani, A. 1389 [2010]. *Qarakhanian, Bonyangozaean-e Nokhostin Selseleh-ye Tork-e Mosalman dar Fararud*. Tehran: SAMT.
- Forouzani, A. 1390 [2011]. *Tarikh-e Tahavolat-e Siasi, Edjtema'i, Eqtesadi va Farhangi-e Iran dar Dowreh-ye Samanian*. Tehran: SAMT.
- Forouzani, A. 1393 [2014]. *Saljuqian az Aghaz ta Farjam*. Tehran: SAMT.
- Forouzani, A. 1395 [2016]. *Ghaznavian az Paydayesh ta Foroupashi*. Tehran: SAMT.
- Frye, R. N. 1385 [2006]. *Tarikh-e Iran az Forupashi-ye Dowlat-e Sasanian ta Amadan-e Saljuqian*. H. Anousheh (trans.). Tehran: Amirkabir.
- Miles, J. 2004. *'Become the Man that Women Desire': Gender Identities Dominant in Email Advertising Language*. London: Sage.
- Taylor, F. 2003. "Content Analysis and Gender Stereotypes in Children's Books" *Teaching Society*: 31.
- Van Dijk, Teun A. 2004. *Ideology and Discourse*. London: Sage Publication

بازنمایی نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های تاریخ دانشگاهی ایران دوره میانه بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان وندایک

مریم طاهرزاده^۱ زهرا ابوالحسنی چیمه^{۲*} زهیر صیامیان گرجی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۶

چکیده

ایدئولوژی‌ها نظام‌های باورهای بنیادین یک گروه و اعضایش هستند که با ایده‌های اجتماعی و سیاسی سروکار دارند و به سلسله مراتب اجتماعی و مناسبات قدرت معنا می‌دهد و صورت‌بندی‌های نابرابر اجتماعی فرهنگی مانند جنسیت را طبیعی کرده و حقیقی می‌سازند. رویکردهای تحلیل گفتمان، متن را عرصه تجلی ایدئولوژی پنهان در زبان در نظر می‌گیرند که طبق رویکرد وندایک در راهبرد ایدئولوژیکی فاصله، نویسندگان با تاکید بر نکات مثبت «ما»، ویژگی‌های مثبت «آن‌ها» را به حاشیه می‌رانند. روایت گذشته در متون آموزشی تاریخ نیز مجالی برای بازنمایی این برساخته‌های ایدئولوژیک است که در شیوه‌های روایت و گزارش و بیان واقعیت گذشته خود را پنهان می‌کند. مساله مقاله حاضر آشکارسازی چنین راهبردهایی در بازنمایی نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های دانشگاهی تاریخ ایران در دوره میانه از سامانیان تا قراخانیان در انتشارات سازمان سمت و ترجمه تاریخ ایران کمبریج است. به‌منظور آشکار ساختن تفاوت‌های احتمالی در نگاه نویسندگان ایرانی و خارجی به نقش زنان در تاریخ ایران دوره میانه، چهار کتاب درسی بومی و دو کتاب مرجع غیربومی مرتبط به‌عنوان پیکره داده‌ها به‌صورت کمی، کیفی و تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق مشخص شد با توجه به این‌که نویسندگان کتاب‌های تاریخ بومی و غیربومی مورد مطالعه قرار گرفته، از جنس مذکر هستند و ایدئولوژی‌های معاصر، نابرابری جنسیتی در تاریخ را بدیهی و طبیعی تلقی می‌کند، از مردان به‌عنوان گروه «ما» و از زنان به‌عنوان گروه «آن‌ها» یاد شده‌است.

واژگان کلیدی: ایدئولوژی، تحلیل گفتمان انتقادی، کتاب‌های درسی تاریخ، نقش‌های جنسیتی، تاریخ ایران میانه.

۱. دانش‌آموخته دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.

* zabolhassani@hotmail.com

۲. دانشیار پژوهشکده سازمان سمت تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران.

۱- مقدمه

زبان نقش مهمی در ایجاد ارتباط اعضاء یک جامعه ایفا می‌کند و می‌تواند ارزش‌های اجتماعی، جنسیتی و نظایر آن را نیز منتقل سازد. هم‌چنین زبان چه در شکل گفتاری و چه در شکل نوشتاری می‌تواند بر ارزش‌ها و نگرش‌های مخاطبین خود تاثیرگذار باشد، از این‌رو می‌توان ادعان کرد که کتاب‌های درسی از جایگاه ویژه‌ای برای آموزش نقش‌های جنسیتی برخوردار است؛ زیرا محصلین و دانشجویان بیشترین زمان خود را صرف مطالعه کتاب‌های درسی می‌کنند و این کتاب‌ها می‌توانند ارزش‌های فراگیران را تحت تاثیر قرار دهند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان وندایک (2004)، متن‌های چهار کتاب تألیفی از دکتر سید ابوالقاسم فروزانی با عنوان‌های *سلجوقیان از آغاز تا فرجام* با ۳۲۴ صفحه، چاپ سال ۱۳۹۳؛ *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان* با ۱۸۷ صفحه و چاپ سال ۱۳۹۰؛ *غزنویان از پیدایش تا فروپاشی* با ۳۳۷ صفحه و چاپ سال ۱۳۹۵؛ *قراخانیان بنیانگذاران نخستین سلسله ترک مسلمان در فرارود (آسیای میانه)* با ۱۶۸ صفحه و چاپ سال ۱۳۸۹ و دو کتاب غیر بومی مرجع با عنوان‌های *تاریخ ایران از فروپاشی دولت سامانیان تا آمدن سلجوقیان از رن*. فرای (۱۳۸۵) - که سلسله‌های سامانیان و غزنویان را توصیف کرده‌است - با ۱۲۱ صفحه سلسله سامانیان و ۲۳۲ صفحه سلسله غزنویان؛ و *تاریخ ایران کیمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخان از جی.آ. بویل* (۱۳۸۵) - که سلسله‌های سلجوقیان و قراخانیان را توصیف کرده است - با ۱۰۶ صفحه سلسله قراخانیان و ۲۸۵ صفحه سلسله سلجوقیان؛ از لحاظ جایگاه جنسیت در گفتمان آموزشی تاریخ ایران در دوره کنونی، به شکل کمی، کیفی و تطبیقی، مورد بررسی قرار می‌دهد تا مشخص کند دیدگاه نویسندگان ایرانی و خارجی نسبت به نقش مردان و نقش زنان در روایت رویدادهای تاریخی ایران دوره میانه چگونه است. همچنین تفاوت احتمالی بین نویسندگان بومی و غیر بومی از لحاظ ذکر تعداد نام‌ها یا فعالیت‌های زنان در روایت‌های تاریخی، با بازیابی و بازخوانی همه مواردی که از زنان در این متون یاد شده است مورد مقایسه و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که متن ترجمه به‌طور تصادفی با متن اصلی مقایسه گردید که مشخص شد، ترجمه متن تقریباً دقیق و تحت‌اللفظی انجام گرفته‌است. بنابراین متن ترجمه را نسبت به متن اصلی وفادار در نظر می‌گیریم و از تفاوت‌های احتمالی بین متن اصلی و ترجمه‌ایی چشم‌پوشی و از آن به‌عنوان متن غیربومی یاد می‌کنیم.

در عین حال ممکن است گفته شود که نقش زنان در جامعه ایران دوره میانه، به شکلی واقع‌نمایانه بر اساس گزارش‌های متون تاریخی آن دوران، در این تحقیقات انعکاس یافته است اما مبنای تاریخ‌نگارانه مقاله بر اساس دیدگاه مانزلو^۱ استوار است که می‌گوید: «این مولف واجد موضع فرهنگی است که روایت سازمان داده شده‌ای از دانش درباره گذشته را خلق می‌کند» (۱۳۹۵: ۱۵۷). بنابراین تنوع منابع تاریخی و جهت‌گیری‌های ارزشی و ایدئولوژی مولفان متون تاریخی و تحقیقات معاصر بر نوع روایتی که از جایگاه زنان و بازنمایی نقش‌های جنسیتی ارائه کرده‌اند، تاثیرگذار بوده است.

۱-۱- پیشینه تحقیق

در این بخش ابتدا پیشینه مربوط به موضوع جنسیت و سپس پیشینه مربوط به بحث جنسیت در کتاب‌های درسی ارائه می‌گردد. کاردوزو^۲ (2018) با بررسی نقش زنان در موقعیت‌های اجتماعی به این نتیجه می‌رسد علی‌رغم اینکه شواهد نشان می‌دهد که هیچ تفاوتی بین زنان و مردان در توانایی ارتباط برقرار کردن وجود ندارد ولی زنان هنوز در بسیاری از موارد از موقعیت‌های اداره امور در جامعه، غایب هستند و برخی از تحقیقات نشان دهنده وجود رابطه بین نقش رهبری امور و جنسیت است. آنان در انتها به این نتیجه می‌رسند که هنوز هم استفاده از نقش زنان در پست‌های مهم و راهبردی مایوس کننده است و راه‌هایی برای اصلاح این مسئله مانند تغییر فرهنگ، بالا بردن سطح تحصیلات و آموزش روش‌های مدیریتی را پیشنهاد می‌کند.

اینک به معرفی پیشینه مربوط به بحث جنسیت در کتاب‌های درسی می‌پردازیم. کافین^۳ (2014) به نقش معنی‌سازی زبان توجه می‌کند و این‌که چگونه در موقعیت‌های واقعی در جامعه از زبان استفاده می‌گردد. او هم‌چنین به ظرفیت معنایی زبان^۴ در امر تدریس تاریخ اشاره می‌کند و بر این باور است که زبان یک سیستم انتخاب است که گویندگان و نویسندگان از آن برای بیان روایت‌های تاریخی بهره می‌گیرند و سعی دارند افکار خویش را با استفاده از استراتژی‌های متفاوت زبانی، به خوانندگان منتقل سازند. حسینی و حیدریان (۱۳۸۹) به

1. Manslow

2. Cardozo

3. Caroline Coffin

4. Language meaning potential

چگونگی بازنمایی تساوی جنسیتی در کتاب‌های دبیرستان پرداخته‌اند و به این نکته رسیدند که نقش مردان در این کتاب‌ها بسیار پرنگ‌تر از نقش زنان به‌نمایش درآمده است و زنان در جایگاه اجتماعی پایین‌تر نسبت به مردان قرار گرفته‌اند. چیشوم^۱ (2018) با مطالعاتی بر روی کتاب‌های درسی ایران و آفریقای غربی انجام داد به این نتیجه رسید که در دوران تحصیلی ابتدایی میزان عرضه چهره زنان زیاد و در سال‌های بعد کم کم، کاهش می‌یابد و مردان تبدیل به چهره اصلی می‌شوند.

۲-۱- چارچوب نظری تحقیق

برای آشکار سازی نقش زبان در انتقال ارزش‌ها، از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی بهره گرفته می‌شود که رویکردی نوین در حوزه تحلیل گفتمان است. در این حوزه دغدغه اصلی تحلیل‌گر آشکار سازی نابرابری‌ها و تبعیض‌هایی است که از طریق گفتمان تولید می‌گردد. وندایک به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان برجسته تحلیل گفتمان انتقادی، به بسط مدلی پرداخته که از آن به‌عنوان مدل اجتماعی- شناختی یاد می‌شود (Van Dijk, 2004). او معتقد است ایدئولوژی‌ها در مقام نظام ایده‌های جنبش‌ها و گروه‌های اجتماعی، نه‌تنها به معنای درک جهان از (منظر گروه) هستند، بلکه مبنایی برای کنش‌های اجتماعی تک تک اعضای گروه هم قلمداد می‌شوند. بنابراین ایدئولوژی‌ها نه‌تنها مولود این ساختارهای اجتماعی هستند، بلکه تا حد زیادی آن‌ها از طریق رصد گفتمان‌ها و دیگر کنش‌های اجتماعی هر یک از اعضای گروه هم تقویت و هم بازتولید می‌شوند که در سطح خرد، ساختارهای نابرابری، سلطه و مقاومت را محقق می‌سازند. از نظر وندایک بعد شناختی ایدئولوژی‌ها، عبارت‌است از ماهیت ایدئولوژی‌ها به‌عنوان عقاید، ارتباط آن‌ها با عقاید و دانش و جایگاه آن‌ها به‌عنوان بازنمودهای اجتماعی مشترک. اما از بعد اجتماعی، ایدئولوژی‌ها نشان می‌دهند که چه نوع ارتباطی بین اعضای گروه‌ها و نهادها، در تولید و بازتولید ایدئولوژی‌ها موثر هستند. در نهایت از بعد گفتمانی، ایدئولوژی‌ها به واسطه همین متون شناخته می‌شوند. به باور وی اعضای گروه‌ها با هنجارها، کنش‌ها و اهدافی که دارند، خود را از سایر گروه‌ها متمایز می‌کنند و عضویت در هر گروه، به «خودی» یا «غیرخودی» بودن افراد، بستگی دارد و در همین راستا «ما» و «آن‌ها» در بین افراد و جامعه پدید می‌آید. بدین منوال که

1 . Linda Chisholm

سخن‌گویان یک گروه معمولاً گرایش دارند تا خودشان یا اعضای گروه خود را با عناوین مثبت معرفی کنند و سایر گروه‌ها را با عناوین منفی معرفی نمایند (Van Dijk, 2004: 217-218).

وندایک هم‌چنین بر این باور است که بسیاری از کردارهای اجتماعی روزمره از رهگذر ایدئولوژی به‌ما القاء می‌شود. زنان و مردانی که با هم در تعامل‌اند، ممکن است ایدئولوژی‌های جنسیتی مختلفی مثل تبعیض جنسی یا زن‌باوری را به‌نمایش گذارند. افراد در مقام اعضای گروه‌های اجتماعی می‌توانند ایدئولوژی‌های خود را در کنش‌ها و برهم‌کنش‌هایشان به‌کار ببرند. زنان ممکن است با وظایف روزانه‌ای که همسران‌شان از آن‌ها توقع دارند و هم‌چنین با انواعی از آزار و اذیت‌های جنسی، خشونت‌ها و سوءاستفاده‌ها، هم توسط همسران‌شان و هم توسط دیگران، مورد تبعیض قرار گیرند. بنابراین زندگی‌های روزمره زنان سرشار از روش‌های پیچیده و غیر مستقیم‌تری از عدم تساوی زنان و مردان می‌شود. ایدئولوژی تبعیض جنسیتی، در عمل تمام ابعاد تعاملات روزمره بین زنان و مردان را با هم درمی‌آمیزد (1998: 96-97).

وندایک معتقد است ایدئولوژی‌ها به‌عنوان بخش ذاتی حیات اجتماعی، پدیدار، استفاده و بازتولید می‌شوند و از رهگذر قدرت، سلطه و مبارزه به گروه‌ها و جنبش‌های اجتماعی پیوند می‌یابند. این مسئله در جنبش‌های فمینیستی صادق است، این جنبش‌ها در گستره بافت اجتماعی مردسالارانه، نابرابری جنسیتی و نظم‌های نهادینه‌شده‌ای رخ می‌دهند که از وضعیت زیردستی زنان حمایت کرده و آن را زنده نگاه داشته‌اند؛ یعنی ایدئولوژی‌ها دقیقاً بدیل «شناختی» نابرابری و مبارزه اجتماعی هستند (ibid: 101).

در باب تعریف جنسیت فراید^۱ (2000: 57) بر این باور است که جنسیت به آن جنبه از تفاوت‌ها و ویژگی‌های زن و مرد مربوط می‌شود که منشاء روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی دارند. بدین معنا جنسیت از مفهوم جنس^۲ که به تفاوت‌های زیست‌شناختی و طبیعی اشاره دارد، متمایز می‌گردد. ریلی^۳ می‌گوید: «جنسیت به آن جنبه‌هایی از تفاوت میان زن و مرد باز می‌گردد که به لحاظ اجتماعی برساخته می‌شوند» (2000: 126). حکیم نیز معتقد است جنسیت در حقیقت به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان مربوط می‌شود. جنسیت بر نوعی تقسیم سلسله مراتبی میان زنان و مردان اشاره دارد که هم در نهادهای اجتماعی و هم در اعمال اجتماعی جای می‌گیرد. بنابراین جنسیت پدیده‌ای ساختاری اجتماعی است (1996: 321).

1. Fried

2. Sex

3. Riley

موریو^۱ معتقد است زبان به کار رفته در کتاب‌های مدارس و دانشگاه‌ها، از جمله ابزارهای قدرتمند و موثری هستند که می‌توانند در انتقال و القای ارزش‌های اجتماعی و جنسیتی به فراگیران نقش بسزایی داشته باشد (2011: 132). در باب القاء ارزش‌های جنسیتی، کامرون^۲ معتقد است که هیچ زبانی عاری از تعصب نیست و زبان جنسیتی موجود در کتاب‌های درسی همواره به نفع جنس مذکر تعصب ابراز می‌دارد و رفتارش با جنس مونث تبعیض‌آمیز است در حالی که تعداد مردان و زنان در جامعه برابر است و به صورت مساوی باید به تصویر کشیده شود (2003: 197). چیشوم^۳ بر این باور است که زنان از روایت‌های اصلی در تاریخ آمریکا، کنار گذاشته شده‌اند و اگر هم ظاهر شده‌اند، زنان سفید طبقه متوسط بوده‌اند که این مسئله می‌تواند تأثیرات منفی بر روی اعتماد به نفس زنان داشته باشد (2018: 28). وندایک معتقد است انتقال ایدئولوژی‌ها و آموزش نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی، برنامه درسی و تعامل معلم-دانش‌آموز شکل می‌گیرند (2004: 146).

جونز^۴ نیز اعتقاد دارد که کتاب‌های درسی می‌توانند یک منبع مهم در ایجاد درک و نقش‌های جنسیتی باشند که در نهایت منجر به این می‌شود که حتی کودکان و جوانان نیز مبتنی بر مجموعه‌ای از تفکرات قالبی و سنتی درباره نقش‌های جنسیتی، قرار بگیرند (2008: 192). یان میک می‌گوید: کتاب‌های درسی سرنوشت یک ملت را تعیین می‌کند. کتاب‌های درسی آینه تمام‌نمای سیاست‌های ایدئولوژیکی، جنسیتی و اجتماعی می‌باشند و هماهنگ با سیاست‌های بومی و محلی هر کشوری تألیف می‌گردد. او هم‌چنین معتقد است که زنان هنوز در تاریخ غایب هستند (۱۳۹۳: ۱۱۵). آلن بوث^۵ معتقد است دانشجویان در فرایند تعمیق فهم خود در درس تاریخ، با طرح پرسش درباره مقوله‌های تثبیت‌شده و با در نظر گرفتن دیدگاه‌های متنوع و اظهار نظرهای مستقل، نسبت به موضوعات مورد بررسی خود و جهان پیرامون‌شان شناخت می‌یابند (2003: 239).

پیتا و اسمیت^۶ نیز معتقد است کتاب‌های درسی دانشگاهی نقش تعیین‌کننده‌ای در تداوم ارزش‌های اجتماعی دارد، لذا کتاب‌های درسی باید طوری طراحی و تدریس شوند که نه

-
1. Moreau
 2. Cameron
 3. chisholm
 4. Johns
 5. Both
 - 6 . Pienta and Smith

تنها بیانگر ارزش‌های ایدئولوژیکی و جنسیتی جامعه باشند، بلکه شیوه‌های نگرش و تفکر و زندگی کنونی را نیز منعکس نماید. به عبارت دیگر کتاب‌های درسی به‌خصوص در سطح دانشگاه‌ها باید نشان‌دهنده واقعیت کنونی جامعه باشند و از هرگونه دیدگاه‌های کلیشه‌ای پرهیز نمایند. اگر در زبان به کار رفته درسی مقاطع مختلف نگرش‌ها و تعصبات خاصی گنجانده شود، تاثیرات بسیاری بر فراگیران خواهد داشت. برای کم کردن این تاثیرات، فراگیران باید توانایی انتقاد کردن از مطالب گنجانده شده در کتاب‌های درسی را داشته باشند و هم‌چنین حس استدلال‌ورزی آنان نیز تقویت گردد (2012: 46-47).

تایلور^۱ انتظارات و استانداردهای متفاوت از نقش مذکر و نقش مونث را اصطلاحاً کدهای جنسیتی^۲ می‌نامد و معتقد است ایدئولوژی جنسیتی جامعه از طریق همین کدهای جنسیتی (یعنی مجموعه‌ای منظم از علائم و نشانه‌ها) درونی می‌شود و مدارس و دانشگاه‌ها به عنوان مراکز رسمی آموزش کودکان و جوانان نقشی تعیین‌کننده در جامعه‌پذیری آن‌ها ایفا می‌کنند. در واقع مدارس و دانشگاه‌ها یک تجربه اجتماعی هستند که در آن نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی منتقل می‌شوند و کتاب‌های درسی به‌طور عام از مهمترین ابزارهایی هستند که این کار انتقال را بر عهده دارند و به‌طور خاص نیز یک مکانیسم مهم برای آموزش نقش‌های جنسیتی به دانش‌آموزان و دانشجویان محسوب می‌شوند (2003: 168-169).

هم‌چنین در مورد انتقال ایدئولوژی جنسیت، وندایک یکی از راه‌های ابراز ایدئولوژی‌های قدرت و سلطه را به حاشیه‌راندن اعضای گروه برتر دیگر می‌داند که ممکن است از طرق مختلفی به این کار دست بزنند -مانند بی‌توجهی به آنان، عدم پذیرش یا ندادن ترفیع به آن‌ها به‌رغم شایستگی‌هایشان یا انتقاد بی‌دلیل، آزار و اذیت و خشونت فیزیکی- که مصداق آن را در ایدئولوژی‌های مرد سالار^۳ در برابر زن‌باور، می‌توان دید (1998: 96).

الگوی نظری وندایک (2004) شامل دو سطح کلان^۴ و سطح خرد^۵ است. سطح کلان در حقیقت سطح انتزاعی است که با استفاده از آن، به توصیف و تحلیل ارتباط کنش‌گران در جامعه، از یک‌سو، و لحاظ کردن مفاهیم فرازبانی از قبیل ایدئولوژی، قدرت، سیاست و سلطه در گفتمان از سوی دیگر، پرداخته می‌شود. در سطح خرد نیز به‌عنوان سطح ملموس و عینی

1. Taylor

2. Gender codes

3. chauvinist

4. macro-level

5. micro-level

گفتمان، صورت‌ها و ساختارهای زبانی در بافت موقعیتی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. وندایک (2004) چندین محور و راهبرد ایدئولوژیکی در سطح خرد، برای شناسایی ساختارهای گفتمانی ایدئولوژیکی معرفی کرده است که در این پژوهش، از راهبرد ایدئولوژیکی فاصله در محور معنی، برای بررسی تفاوت‌های احتمالی بین دیدگاه‌های نویسندگان بومی و غیربومی به نقش‌های جنسیتی، استفاده گردیده‌است.

۱-۲-۱- محور معنی

وندایک معتقد است که ایدئولوژی می‌تواند در تمام سطوح گفتمان نمود پیدا کند، اما معنای گفتمان، جایی است که محتوای ایدئولوژیکی به مستقیم‌ترین شکل ممکن می‌تواند در آن بیان شود. محور معنی، دارای راهبردهای ایدئولوژیکی متعددی از قبیل: مثال، گواه‌نمایی، قطبی‌شدگی، ابهام و فاصله است (2004: 231-232)؛ که با توجه به بررسی‌های نگارندگان برای پیدا کردن راهبرد مناسب، راهبرد ایدئولوژیکی فاصله، برای تحلیل بعد جنسیت در کتاب‌های تاریخ بومی و غیربومی، انتخاب گردید. اینک به شرح راهبرد فاصله از دیدگاه وندایک می‌پردازیم.

۱-۲-۲- راهبرد ایدئولوژیکی فاصله

یکی از ابزارهای استراتژیک مربوط به حوزه معنایی است که وندایک (2004)، به معرفی آن پرداخته‌است. فاصله راهبردی است که گوینده/نویسنده با به‌کارگیری صورت‌های زبانی و مرزبندی میان آن‌ها، در صدد نشان دادن دو گروه مقابل هم، برمی‌آید. مانند جمله: «ما حزب راستیم و مدافعان مهاجرین حزب چپ دیوانه هستند». در واقع راهبرد فاصله بسیار به راهبرد قطبی‌شدگی -در محور معنی- نزدیک است زیرا در راهبرد فاصله نویسندگان سعی می‌کنند با ایجاد قطب‌های مقابل هم، نظرات مثبت یا منفی خود را در مورد رویداد یا اشخاص خاصی، نشان دهد. وندایک در توصیف راهبرد قطبی‌شدگی می‌گوید: «نویسنده یا گوینده با استفاده از واژه‌ها و عبارات متفاوت، دو قطب مخالف را به‌تصویر می‌کشد و با این کار تفکرات خویش را به مخاطبان منتقل می‌کند. مانند جمله: مردی از رومانی به بریتانیا آمد و دیگر به کشورش بازنگشت» (1998: 235).

ایدئولوژی‌ها اغلب زمانی که دو یا چند گروه منافع متضادی دارند، یا زمانی که یک نزاع یا رقابت اجتماعی وجود داشته‌باشد، و نیز در موقعیت‌های سلطه به‌وجود می‌آیند. به‌لحاظ

شناختی و گفتمانی، چنین تضادهایی می‌تواند به‌وسیله صورت‌های مختلفی قطبی‌سازی، مثلاً با ضمائر شناخته‌شده «ما و آن‌ها»، تحقق یابند. راهبرد کلی ایدئولوژی گفتمان تأکید روی چیزهای خوب ما و چیزهای بد آن‌ها است، در واقع تأکید بر نکات مثبت ما و به‌حاشیه‌راندن نکات مثبت آن‌هاست، و این صورت از قطبی‌سازی به‌لحاظ معناشناختی فاصله را محقق می‌سازد. فاصله‌ها نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های زیربنایی را با اصطلاحاتی قطبی‌شده بازنمایی می‌کنند که درون گروه‌ها و برون گروه‌ها را مشخص می‌کنند. به دیگر سخن با به‌کار بردن ضمائر و نشانگرهایی هم‌چون (ما، کشور ما، ماها)، در برابر (آن‌ها، آن کشورها و آن دولت‌ها)، بر فاصله ایدئولوژیک بین گروه‌ها در دو قطب رقیب، تأکید می‌کند. لازم به ذکر است با توجه به این‌که نویسندگان کتاب‌های تاریخ بومی و غیربومی مورد مطالعه قرار گرفته، از مردان هستند، در پژوهش حاضر از «مردان» به‌عنوان «ما» و از «زنان» به‌عنوان «آن‌ها» یاد شده و از راهبرد فاصله برای نشان دادن بعد ایدئولوژیکی جنسیت در متون کتاب‌های بومی و غیربومی، استفاده گردیده است.

۲- تجزیه و تحلیل داده‌ها

روشی که در این تحقیق به‌منظور نشان دادن دیدگاه نویسندگان کتاب‌های تاریخ بومی و غیربومی درباره نقش‌های جنسیتی، به‌کار گرفته شده، روش کمی و کیفی و تطبیقی با استفاده از الگوی تحلیل گفتمان وندایک است.

لازم به‌ذکر است که در پژوهش حاضر تمرکز و بحث اصلی بر روی رویدادهای چهار دوره -سامانیان، غزنویان، سلجوقیان و قراخانیان- است که در کتاب‌های بومی در چهار کتاب با یک مولف مشترک و در کتاب‌های بومی با نویسندگان مختلف در دو کتاب مطرح شده‌اند. در این تحقیق سعی شده تا با بررسی کتاب‌های بومی و غیربومی اولاً دیدگاه نویسندگان بومی و غیربومی به نقش جنس مونث در تاریخ ایران با بررسی تمام نمونه‌هایی که درباره زنان در این آثار گزارشی انجام گرفته مشخص گردد و ثانیاً تفاوت‌های احتمالی بین نویسندگان ایرانی و خارجی در ذکر نام یا فعالیت‌های زنان مورد مقایسه و بررسی قرار می‌گیرد. هم‌چنین با توجه به حجم کمتر کتاب خارجی و برای ایجاد تناسب، ابتدا تمام واژه‌های هر دو کتاب‌های بومی و غیربومی (از ابتدا تا انتها)، به شرح زیر شمارش گردید.^(۱)

جدول شماره (۱) تعداد واژه‌های کتاب‌های بومی و غیر بومی

کتاب غیر بومی	کتاب بومی	سلسله‌های تاریخی
تاریخ ایران از فروپاشی دولت سامانیان تا آمدن سلجوقیان ۸۳۹۶۸ واژه	تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان ۱۱۲۴۲۷ واژه	سامانیان
تاریخ ایران از فروپاشی دولت سامانیان تا آمدن سلجوقیان ۱۲۱۳۵۶ واژه	غزنویان از پیدایش تا فروپاشی ۱۵۱۵۲۵ واژه	غزنویان
تاریخ ایران کیمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخان ۱۱۶۸۰۱ واژه	سلجوقیان از آغاز تا فرجام ۱۶۱۵۶۴ واژه	سلجوقیان
تاریخ ایران کیمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخان ۵۲۰۱۲ واژه	قراخانیان بنیانگذاران نخستین سلسله ترک مسلمان در فرارود ۹۶۷۲۳ واژه	قراخانیان

آن‌گاه از تعداد راهبردها نسبت به کلمات کتاب‌ها، نسبت آماری گرفته شد تا ارزیابی از اعتبار لازم برخوردار باشد. به بیانی دقیق‌تر برای مقایسه آمارها، به لحاظ متفاوت بودن تعداد (بیشینه) واژه‌های به کار رفته در کتاب‌های بومی و غیر بومی، درصد تعداد ذکر نام‌ها یا فعالیت‌های مردان یا زنان به واژه‌ها - که ما از آن به‌عنوان راهبرد فاصله یاد می‌کنیم - برای تمام کتاب‌ها با استفاده از تناسب محاسبه شده که به این ترتیب است: $\frac{m}{n} \times 100$

m : تعداد راهبردها و n : تعداد واژه‌ها

هم‌چنین از سری آزمون‌های spss شامل آزمون تی - برای مشخص کردن معنادار بودن یا نبودن تفاوت‌ها بین تعداد استفاده از راهبرد فاصله در نویسندگان بومی و غیر بومی - و آزمون کلوموگراف اسمیرنوف - برای بیان نرمال یا عدم نرمال بودن داده‌های مربوط به متغیرها - همراه با ارائه جدول‌ها و نمودارها، بهره گرفته می‌شود تا زاویه دید نویسندگان بومی و غیر بومی نسبت به نقش زنان و تفاوت احتمالی دیدگاه‌های آنان، در تاریخ ایران

میانه، آشکار گردد. اینک به شرح و تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج شده در کتاب‌های بومی و غیربومی تاریخ دانشگاهی می‌پردازیم:

همان‌گونه که ذکر شد از نظر وندایک، محور معنی یکی از مهمترین محورها برای ابراز ایدئولوژی است و در این محور، ایدئولوژی به شکل مستقیم به مخاطبان انتقال داده می‌شود. محور معنی دارای راهبردهای ایدئولوژیکی متعددی است که در این پژوهش از راهبرد ایدئولوژیکی فاصله، برای آشکارسازی عقاید و نظرات نویسندگان خارجی و ایرانی، استفاده شده است.

بر اساس رویکرد وندایک فاصله راهبردی است که گوینده یا نویسنده با کاربرد صورت‌های زبانی و مرزبندی میان آن‌ها، در صدد نشان دادن دو گروه مقابل هم، می‌باشد که منافع آنان با هم در تضاد است و اغلب درگیر کشمکش‌های اجتماعی هستند. راهبرد ایدئولوژیکی فاصله رابطه نزدیکی با راهبرد ایدئولوژیکی قطبی‌شدگی دارد که هر دو راهبرد در محور معنی قرار دارند (236: 2004). حال با ذکر نمونه‌هایی از کاربرد نقش جنس مونث در کتاب‌های تاریخ بومی و غیربومی، به بررسی دیدگاه نویسندگان درباره این نقش‌ها می‌پردازیم با ذکر این نکته که مجموع تعداد این نمونه‌ها در کل منابع مورد بررسی ۲۲۵ مورد است^(۲):

۲-۱- نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های بومی و غیر بومی غزنویان

با توجه به جدول شماره (۲) مشاهده می‌گردد هر دو نویسنده بومی و غیر بومی درصد اندکی را به ذکر نام یا فعالیت‌های زنان اختصاص داده‌اند ولی نویسنده بومی با اینکه از نقش جنس مونث بیشتر در روایت تاریخی خود نام برده‌است اما راهبردهای ایدئولوژیکی در روایت گذشته به نحوی است که ارزش داوری منفی برای خواننده از نقش‌های جنسیتی زنان دلالت شود. حال برای بررسی بهتر دیدگاه‌های آنان به نقش‌های جنسیتی، به ذکر مثال‌هایی از راهبرد فاصله - ذکر نقش زنان - در کتاب‌های بومی و غیربومی غزنویان می‌پردازیم:

۲-۱-۱- به‌رغم ازدواج محمود با یکی از دختران ایلک، خان‌های ترک دست از استیلا بر هرات برنداشتند (فروزانی، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

۲-۱-۲- سبکتگین دخترانی داشت که بعضی از آن‌ها به مصالح سیاسی به ازدواج فرمانروایان نواحی مجاور درآمدند (همان: ۹۶).

- ۳-۱-۲- سبکتگین کوشید تا از طریق به زنی گرفتن دختر یکی از محتشمان زابلستان، احساسات مردم را بسوی خود بکشاند (فرای، ۱۳۸۵: ۱۴۵).
- ۴-۱-۲- مجدالدوله چهارسال داشت بنابراین اداره قلمرو به دست مادرش سیده افتاد (همان: ۱۲۶).

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده نویسندگان بومی و غیربومی کتاب‌های تاریخ غزنویان، نقش جنس مونث را در امر ازدواج خلاصه کرده‌اند و ضمن استفاده ابزاری از نقش زنان، ازدواج آنان را نیز به مثابه ابزاری سیاسی بین حکومت‌ها و طوایف گوناگون، برشمرده‌اند. در عین حال طبق نمونه‌های شماره ۱-۱-۲ و ۲-۱-۲ در ایدئولوژی نویسندگان بومی و غیربومی درباره نقش زنان در ایجاد صلح بین حکومت‌ها در دوره غزنویان، نوعی تضاد وجود دارد، بدین ترتیب که مولف ایرانی، ازدواج دختران سبکتگین با فرمانروایان نواحی مجاور را برای ایجاد «ثبات سیاسی» بین طرفین، «موفقیت‌آمیز» معرفی کرده‌است، در حالی که نویسنده غیربومی ازدواج سلطان محمود غزنوی با دختر ایلک قراخانی، که به دلیل ایجاد صلح بین غزنویان و قراخانیان صورت گرفته را، امری «نافرجام» می‌داند و بر این عقیده است که حتی ازدواج نیز نتوانسته طمع سلطان محمود را برای در دست گرفتن هرات، از بین ببرد. بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌گردد نویسنده خارجی حتی به موفقیت‌آمیز بودن ازدواج زنان درباری و نقش آنان در به وجود آمدن صلح بین دولت‌های همسایه، با دیده تردید می‌نگرد. در مثال شماره ۳-۱-۲ نیز به نظر می‌رسد نویسنده بومی، امر ازدواج زنان را وسیله‌ای برای فریب اذهان مردم زابلستان در نظر می‌گیرد که به این نحو سبکتگین کوشیده‌است تا حمایت مردم آن مناطق را به سوی خود جذب نماید. نمونه شماره ۲-۱-۴ جزو اندک مثال‌های کتاب‌های تاریخ دانشگاهی غزنویان است که از قدرت و نفوذ زنان صحبت به میان می‌آورد که این قدرت هم در شرایطی خاص و به دلیل صغر سن شاه، به وی اعطاء گردیده است با این همه پیامد آن ناخوشایند بوده است. بنابراین می‌توان اذعان کرد که هرچند نویسنده غیربومی از اسامی یا عملکرد زنان اندکی بیشتر از نویسنده بومی یاد کرده است، ولی هر دو نویسنده با به کارگیری راهبرد فاصله سعی کرده‌اند با محدود کردن نقش زنان در امر ازدواج و تقلیل آن به امری سیاسی و متأثر از ایدئولوژی مردسالارانه در نگرش‌های جنسیتی، نقش جنس مؤنث یا «آن‌ها» را در رویدادهای تاریخی غزنویان کم اهمیت جلوه دهند و همین امر موجب برجسته‌تر شدن نقش جنس مذکر یا «ما» می‌گردد در حالی که می‌توان این رویدادها را از زاویه نظام اجتماعی و حقوقی تاریخ

ایران دوره میانه بررسی کرد یا بر فراتر از روایت تاریخ مردان نخبه در سیاست و سپاه به تاریخ اجتماعی فرهنگی مردمان غیرنخبه بر اساس اسناد مادی و غیرنوشتاری زندگی روزمره نیز پرداخت. به عبارت دیگر نویسندگان ایرانی و خارجی با ذکر اندک نام‌ها یا فعالیت‌های زنان، گویی اهمیت چندانی برای آنان قائل نشده‌اند و در بیشتر موارد، علیرغم نقش خطیری که برخی از زنان در دربار حکومت ایران داشته‌اند، فقط نقش همسری و مادری آن‌ها را پررنگ نموده و با این عمل خود، به نوعی نقش زنان را به حاشیه رانده‌اند با اینکه منابع و تحقیقات مختلفی درباره حیات اجتماعی فرهنگی جامعه ایران قرون میانه از جمله زنان به خصوص در منابع ادبی و هنری فراتر از تاریخ سیاسی وجود دارد نویسندگان این آثار با عدم اشاره به رویکردها و تنوع منابع تلاشی برای تغییر نگرش خوانندگان درباره زنان ارایه نکرده‌اند.

جدول شماره (۲) راهبرد ایدئولوژیکی فاصله کتاب‌های بومی و غیر بومی غزنویان

کتاب غیر بومی (درصد)	کتاب بومی (درصد)	راهبرد ایدئولوژیکی
۰/۰۰۵	۰/۰۲۷	فاصله (درصد ذکر اسامی یا فعالیت‌های مونث)

۲-۲- نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های بومی و غیر بومی سلجوقیان

چنانچه در جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود در راهبرد ایدئولوژیکی فاصله، نویسندگان بومی و غیربومی کتاب‌های سلجوقیان، از اسامی مونث استفاده کرده‌اند که این امر نشان‌دهنده بهره بردن هر دو نویسنده از این راهبرد، برای آشکار نمودن ایدئولوژی خود در باب نقش‌های جنسیتی است. هم‌چنین با ملاحظه جدول شماره (۳) مشخص است که نویسنده غیربومی از لحاظ نام بردن اسامی مونث، از نویسنده ایرانی پیشی گرفته‌است. حال با ارائه نمونه‌هایی از کاربرد راهبرد فاصله در کتاب‌های بومی و غیربومی به تجزیه و تحلیل دیدگاه نویسندگان ایرانی و خارجی در مورد نقش‌های جنسیتی در تاریخ دوره سلجوقیان می‌پردازیم:

۲-۲-۱- *احتمالاً ترکان خاتون در حکومت ملکشاه از نفوذ فراوان برخوردار بود.* (فروزانی، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

۲-۲-۲- *سنجر در دشت قطوان از قراخانیان شکست خورد و ترکان خاتون به اسارت درآمد.* (همان: ۲۱۹).

- ۳-۲-۲- یکی از زنان نقش‌آفرین در امور حکومتی زبیده خاتون بود (بویل، ۱۳۸۵: ۴۱۲).
- ۴-۲-۲- عثمان خان از دختر گورخان خواستگاری کرد ولی با پاسخ رد مواجه شد (همان: ۱۹۲).

با توجه به مطالعاتی که توسط نگارندگان انجام گرفته، دوره سلجوقیان، تنها دوره‌ای است که نقش زنان، با حضور زنانی هم‌چون ترکان خاتون و زبیده خاتون، توسط نویسندگان ایرانی و خارجی، کمی پررنگ‌تر به‌نمایش درآمده است که آن هم در سایه مردان و در قلمرو سیاست و قدرت که حوزه‌ای متعلق به مردان تصور می‌شود. هم‌چنین با توجه به جدول شماره (۳) هرچند نویسنده غیربومی از ذکر نام یا عملکرد زنان بیشتر استفاده کرده است ولی چگونگی توجه به نقش زنان در این دوره، نزد نویسندگان ایرانی و خارجی یکسان نیست. با توجه به مثال شماره ۲-۲-۱ نویسنده بومی با آوردن عبارت «نفوذ فراوان» سعی در «بزرگنمایی قدرت» ترکان خاتون در حکومت ملک‌شاه دارد، در حالی که نویسنده غیربومی در مثال شماره ۲-۲-۲ از شکست سلجوقیان از قراخانیان و به اسارت درآمدن ترکان خاتون سخن به‌میان می‌آورد و کوشیده است ترکان خاتون را در موضع «ضعف»، بازنمایی کند. به عبارت دیگر نویسنده بومی در روایت شکست سلطان سنجر از قراخانیان، از به اسارت درآمدن ترکان خاتون، سخنی به‌میان نیاورده و به‌عنوان یک نویسنده ایرانی، به‌طریقی خواسته است «ضعف» ترکان خاتون را پنهان سازد. در نمونه شماره ۲-۲-۳ نویسنده ایرانی به قدرت زبیده خاتون در دربار سلجوقیان اشاره می‌کند و در تلاش است تا نقش او را مانند ترکان خاتون پر اهمیت جلوه دهد و در مثال شماره ۲-۲-۴ نویسنده غیر بومی به رد درخواست خواستگاری حاکم سلجوقی از یکی از دختران سران طوایف سلجوقی اشاره می‌کند که می‌توان ادعا کرد که رد درخواست خواستگاری می‌تواند نه به خواست دختر گورکان، بلکه به خواست خود گورکان اتفاق افتاده باشد و در این میان نقش دختر گورکان به‌عنوان یک زن، مهم و پر رنگ نباشد. با توجه به نمونه‌های ذکر شده می‌توان گفت هر دو نویسنده ایرانی و خارجی، به‌دلیل ذکر درصد اندکی از نام یا فعالیت‌های زنان، نقش آنان را در دوره سلجوقیان مورد کم‌توجهی قرار داده و یا به دیده اغماض نگریسته‌اند و یا بدون اینکه به تاریخ مناسبات و نظام‌های اجتماعی فرهنگی این دوران اشاره کنند و این رویدادها را مورد تبیین غیرجنسیتی قرار دهند، روایت مردان سیاست از حضور زنان را بازتکرار کرده‌اند. در واقع در اکثر روایت‌های تاریخی، این مردان هستند که در راس هرم

قدرت قرار دارند و دلاوری‌ها و رشادت‌های آنان مورد ستایش قرار گرفته است در حالی که از نظر نویسندگان بومی و غیربومی، زنان شخصیت مستقلی ندارند و اغلب نیاز است که از جانب مردان مورد حمایت قرار گیرند.

جدول شماره (۳) راهبرد ایدئولوژیکی فاصله کتاب‌های بومی و غیر بومی سلجوقیان

کتاب غیر بومی (درصد)	کتاب بومی (درصد)	راهبرد ایدئولوژیکی
۰/۰۷	۰/۰۴	فاصله (درصد ذکر اسامی یا فعالیت‌های مونث)

۲-۳- نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های بومی و غیر بومی سامانیان

با توجه به جدول شماره (۴) در کتاب‌های بومی و غیربومی سامانیان، نویسنده غیربومی با عدم ذکر نام یا عملکردهای زنان، هیچ قطبی را به‌عنوان قطب نقش جنس مونث در نظر نگرفته و با چشم‌پوشی از حضور زنان در دوره سامانیان، تاریخ این دوره را بسیار مردانه‌تر از نویسنده بومی، به‌تصویر کشیده‌است. نویسنده بومی نیز درصد بسیار کمی را به ذکر نقش زنان در دوره سامانیان اختصاص داده‌است که با ارائه مثالی به بررسی دیدگاه وی در باب نقش زنان در این دوره می‌پردازیم:

۲-۳-۱- امیر نوح بن منصور برای ایجاد روابط نزدیک‌تر با ابوالحسن سیمجوری، دختر وی را خواستگاری کرد (فروزانی، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

با توجه به مثال شماره ۲-۳-۱ نویسنده بومی تنها نقشی را که برای جنس مونث در نظر گرفته، فقط در امر ازدواج بوده، که بیشتر برای ایجاد «ثبات و آرامش» بین حکومت‌ها، انجام می‌گرفته‌است. بنابراین می‌توان اذعان نمود که نویسندگان بومی و غیربومی با کم اهمیت جلوه دادن نقش زنان در تاریخ سامانیان، سعی کرده‌اند حضور مردان و نقش آنان را در تمام صحنه‌های تاریخی برجسته سازند و در این میان قدرت، اقتدار و شجاعت آن‌ها را بیش از پیش به خوانندگان نشان دهند تا از این طریق بتوانند ذهنیات خویش را به‌عنوان یک نویسنده مرد، به خوانندگان انتقال دهند و زنان از صحنه تاریخ حذف شده‌اند.

جدول شماره (۴) راهبرد ایدئولوژیکی فاصله کتاب‌های بومی و غیر بومی سامانیان

کتاب غیر بومی (درصد)	کتاب بومی (درصد)	راهبرد ایدئولوژیکی
۰	۰/۰۰۱	فاصله (درصد ذکر اسامی یا فعالیت‌های مونث)

۲-۴- نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های بومی و غیر بومی قراخانیان

با توجه به جدول شماره (۵) در کتاب‌های بومی و غیر بومی قراخانیان، نویسنده غیر بومی هیچ ذکری از نام یا عملکردهای زنان، نکرده و در حقیقت هیچ قطبی را به‌عنوان قطب نقش جنس مونث در نظر نگرفته است، بنابراین بر اساس جدول شماره (۵) نویسنده بومی از لحاظ ذکر نام یا فعالیت‌های زنان، از نویسنده بومی پیشی گرفته است. اینک با ذکر نمونه‌ایی از کاربرد نقش زنان در کتاب تاریخ بومی قراخانیان، به بررسی دیدگاه نویسنده ایرانی به نقش زنان در تاریخ این دوره می‌پردازیم:

۲-۴-۱- سلطان آلبارسلان با بیوه قدرخان یوسف ازدواج کرد (فروزانی، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

۲-۴-۲- جمعی از بزرگان دربار برای آوردن دختر ارسلان خان به دربار وی رفتند (همان: ۸۲).

۲-۴-۳- گفته می‌شود که دختر ملکشاه، مادر محمد ارسلان است و بدین ترتیب ارسلان خان خواهرزاده ملک سنجر است (همان: ۱۴۰).

همان‌طور که در مثال‌های شماره ۲-۴-۱ و ۲-۴-۲ ملاحظه می‌گردد نویسنده بومی فقط در امر نکاح از نقش جنس مونث یاد کرده، بدین ترتیب که سلطان سلجوقی با زنی بیوه از طایفه قراخانیان ازدواج نموده است، که این امر احتمالاً باعث به‌وجود آمدن پیوندهای خاندانی بین سلجوقیان و قراخانیان می‌گردیده است. در نمونه شماره ۲-۴-۳ هم نویسنده بومی برای نشان دادن منزلت زنان در تاریخ قراخانیان، از انتساب آنان به مردان استفاده می‌کند، بدین ترتیب که اهمیت نقش دختر ملکشاه فقط در این خلاصه می‌شود که وی خواهر ملک سنجر و مادر محمد ارسلان است. به عبارت دیگر نویسنده ایرانی نقش زنان را وابسته به نقش مردان قرار داده و از کنار نقش زنان به راحتی می‌گذرد.

در مجموع درباره چگونگی استفاده نویسندگان ایرانی و خارجی از نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های تاریخ قراخانیان، چند نکته قابل توجه دارد: اولاً نویسنده غیر بومی عدم ذکر نقش جنس مونث در روایت‌های تاریخی، سعی در پررنگ‌تر کردن نقش جنس مذکر یا

«ما» دارد، ثانیاً نویسنده بومی هرچند اندک، از نام و فعالیت‌های زنان یاد کرده‌است ولی به‌عنوان نمونه در مثال شماره ۲-۴-۱ برای اشاره به زنی که از طایفه قراخانیان با آلبارسلان ازدواج کرده، از آوردن نام زن و یا دادن «هویتی مستقل» به وی امتناع ورزیده و از او به‌عنوان «بیوه قدرخان» یاد کرده است. به‌عبارتی دیگر نویسنده بومی نقش زنان را «تحت سایه» نقش مردان ذکر نموده و با ناچیز پنداشتن نقش آنان در رویدادهای تاریخی، نقش زنان در این دوره تاریخی را به حاشیه رانده‌است. در واقع نویسندگان ایرانی و خارجی در تاریخ قراخانیان، نقش زنان را مورد بی‌توجهی قرار داده‌اند و با ذکر اندک و یا عدم ذکر عملکردها و اسامی زنان، در تلاش هستند که نقش زنان را ناچیز و کم اهمیت جلوه دهند.

جدول شماره (۵) راهبرد ایدئولوژیکی فاصله کتاب‌های بومی و غیر بومی قراخانیان

کتاب غیر بومی (درصد)	کتاب بومی (درصد)	راهبرد ایدئولوژیکی
۰	۰/۰۱۹	فاصله (درصد ذکر اسامی یا فعالیت‌های مونث)

با توجه به چگونگی بازنمایی نقش‌های جنسیتی زنان در کتاب‌های بومی و غیر بومی یادشده می‌توان این برداشت را ارائه کرد که زنان مستقلاً در روایت آنان از تحولات این دوره مطرح نمی‌شوند زیرا آنان در کانون روایت رویدادهایی قرار دارند که مردان نقش اصلی را ایفاء می‌کنند. در عین حال بازنمایی مولفان از نقش‌های جنسیتی زنان در این روایت، همسو با نظام ارزش‌های جهان پیشامدرن به شکلی منفی و با پیامدهایی فاجعه‌بار برای حوزه قدرت سیاسی مردسالار، مانند قتل خواجه نظام‌الملک و آشفتگی سیاسی در مسأله جانشینی و سلطنت به‌تصویر کشیده شده است؛ در حالی که می‌شود کنش‌های این زنان را در راستای تغییر موازنه قوا و رفع بحران‌های سیاسی مورد توجه قرار داد. همانطور که نویسندگان می‌توانستند با استفاده از تنوع منابع تاریخی فراتر از منابع تاریخ‌های دودمانی، به روایت اقدامات زنان در حوزه‌های فرهنگی، هنری، معماری و موقوفات در عصر سلجوقی و به‌طور کلی بازسازی تاریخ اجتماعی فرهنگی مردم طبقات غیرنخبه با تکیه بر منابع مادی و غیرتاریخ نگارانه بپردازند تا تاریخ ایران به تاریخ دودمان‌های حاکم و همان به تاریخ سیاسی و همان به تاریخ مردان قدرت و سپاه تقلیل پیدا نکند و زنان به مثابه دیگران از صحنه تاریخ ایران حذف نشوند و به حاشیه رانده نشوند.

نکته قابل توجهی که وجود دارد این است که در این دوره، نویسندگان بومی، از امر نکاح زنان برای ایجاد صلح، مطالبی را مطرح کرده است ولی هیچ‌گاه از چگونگی ایفای این نقش توسط زنان به مثابه پدیده‌ای اجتماعی فرهنگی حقوقی سخنی به‌درستی به‌میان نیامده است. سوال اصلی این است که چنین جایگاهی برای ازدواج زنان خانواده‌های حاکمان و بزرگان نشان‌دهنده چه مناسبات حقوقی و اجتماعی در جامعه آن دوران است. آیا امکان این وجود نداشت که نویسندگان بومی و غیربومی با تامل در روایت‌های متعدد اما محدودشده به ازدواج زنان بی‌نام و نشان مردان حاکم و بزرگان محلی، نقش و کارکرد میانجی و مصالحه ازدواج را به شکل تفصیلی‌تری مورد بررسی قرار داده و از نگرش تقلیل‌گرایانه به زنان و مقوله ازدواج و صرف اشاره گذرا به آنها عبور کنند. این سوالی است که نویسندگان بومی و غیربومی، با «تنزل بخشیدن» به نقش زنان در دوره سامانیان، از پاسخ دادن به آن طفره رفته‌اند و با در نظر نگرفتن نقش مهم زنان در حفظ مناسبات حقوقی بین حکومت‌ها، به نحوی نکات و ویژگی‌های گروه «غیرخودی» یا زنان را کم‌رنگ جلوه داده و به حاشیه رانده‌اند و حتی به ازدواج و جایگاه آن نیز صرفاً به مثابه ابزار نگریسته‌اند و به زمینه‌ها و پیامدهای حقوقی و اجتماعی فرهنگی و عاطفی ازدواج بی‌توجه بوده‌اند. در عین حال که در روایت‌شان از جایگاه قدرت‌مند زنان آن‌را با میزان دخالت منفی آنان در امور سیاسی و آشفتگی‌های ناشی از این نقش به‌هم مرتبط دانسته‌اند.

ریچاردسون^۱ بر این باور است که در روایت واقعیت‌ها، معمولاً مردان به‌صورت انسان‌هایی مسلط، مهاجم و مقتدر به‌تصویر درآمده‌اند و نقش‌های متنوع و مهمی را که موفقیت در آن‌ها مستلزم مهارت حرفه‌ای، کفایت، منطق و قدرت است، ایفا می‌کنند. در مقابل زنان معمولاً تابع، منفعل، تسلیم و کم‌اهمیت هستند و در مشاغل فرعی و کسل‌کننده‌ای که جنسیت‌شان، عواطف‌شان و عدم پیچیدگی‌شان به آن‌ها تحمیل کرده است، ظاهر می‌شوند (2005: 87).

در همین رابطه لوئیس^۲ نیز معتقد است یک‌نوع تقابل نقش جنسیتی در روایت‌های مختلف می‌توان ملاحظه کرد که مردان در بیرون و دارای صفات مهمی مانند شجاعت، استقلال و قدرت هستند، در حالی که زنان در درون خانه و دارای شغل‌های فرعی مانند شست‌وشو و بچه‌داری و غیره هستند. زنان در سکون و مردان در حرکتند. زنان وابسته و مردان مستقل هستند. مردان در سفر برای جنگ یا مراودات بین دولت‌ها، ولی زنان محکوم به

1 . Richardson

2 . Luise

ماندن هستند (78: 2004) وی هم‌چنین معتقد است زنان در جامعه سنتی حافظ سنت‌ها، انتقال دهنده ارزش‌ها و رفتارهای کهن جامعه به نسل جدید است. او به خاطر پیوند خورده و یادآور گذشته است. اما مرد سنت‌شکن و نوآور است و دگرگون‌خواه، تغییر طلب و در جستجوی آینده (ibid: 79).

۳- مشخصات دموگرافیک مربوط به متغیرها

حال در این بخش در جدول‌های شماره (۶) و (۷) برای تبیین بهتر ارتباط بین آمارها و متغیرها، از آزمون کلموگراف اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن یا نبودن داده‌های تحقیق، و از آزمون تی دو نمونه از این‌رو برای بیان معناداری و عدم معناداری اختلاف میانگین شاخص‌ها استفاده می‌کنیم.

جدول شماره (۶) آزمون کلموگراف اسمیرنف برای بررسی وضعیت نرمالیتیه داده‌ها

وضعیت نرمال بودن	سطح معناداری	اماره آزمون	انحراف استاندارد	میانگین	راهبرد
نرمال	.۶۸۷	.۹۴۳	۱۵/۹۳۴۵	۱/۰۰۵۴	راهبرد ایدئولوژیکی فاصله در محور معنی

با توجه به آزمون کلموگراف اسمیرنف و با کمک جدول شماره (۶) مشاهده می‌کنیم که در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، سطح معناداری این آزمون برای راهبرد فاصله بیشتر از ۵ درصد است که این خود نشان از نرمال بودن داده‌های مربوط به تمامی متغیرها است. بنابراین این در تحلیل استنباطی داده‌ها می‌توان از آزمون پارامتریک تی با دو نمونه مستقل استفاده کرد.

۳-۱- آزمون تی دو نمونه مستقل (دو جامعه)

برای بیان معناداری و عدم معناداری اختلاف میانگین هر کدام از شاخص‌ها (راهبردها) در بین دو گروه کتاب‌های بومی و غیر بومی از آزمون تی با دو نمونه مستقل استفاده می‌کنیم. HO: فرض تحقیق مبنی بر عدم معناداری تفاوت میانگین متغیرها در بین کتاب‌های بومی و

غیر بومی (۰,۰۵ > سطح معناداری) و H_1 : فرض تحقیق مبنی بر معنا داری تفاوت میانگین متغیرها در بین کتاب های بومی و غیر بومی (سطح معنا داری > 0.05).
جدول شماره ۷- آزمون تی با دو نمونه مستقل

آزمون تی تست			آزمون لون		راهبردهای ایدئولوژیکی
اختلاف میانگین	سطح معناداری	آزادی	T	سطح معناداری	
۵۸/۷۶۴۰۰	۰/۰۵۲	۶	۳/۴۹۸	۰/۶۷	۸/۸۴۶

با توجه به آزمون تی دو نمونه مستقل و با کمک جدول شماره (۷) مشاهده می‌کنیم که در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، سطح معنا داری آزمون لون برای شاخص‌ها بیشتر از ۵ درصد می‌باشد. بنابراین از نتایجی که شرط برابری واریانس را ایجاب میکند، استفاده می‌کنیم. با توجه به سطح معنا داری آزمون تی در شرط برابری واریانس، مشاهده می‌کنیم که در سطح خطای کمتر از ۵ درصد در میانگین راهبرد ایدئولوژیکی فاصله، در دو گروه کتابهای بومی و غیر بومی، با یکدیگر اختلاف معنا داری دارد. در نتیجه اختلاف میانگین میان دو گروه قابل توجه است، به گونه‌ای که این اختلاف با توجه به سطح معنا داری آزمون تی به ۰/۰۵۲ می‌رسد که یک اختلاف معنادار است. پس فرض H_0 مبنی بر عدم معنا داری تفاوت میانگین این متغیرها در دو گروه کتابهای بومی و غیر بومی رد شده و در مقابل فرض H_1 مبنی بر معنا داری تفاوت میانگین این متغیرها در دو گروه کتابهای بومی و غیر بومی، پذیرفته می‌شود. بنابراین با توجه به آزمون‌های انجام گرفته و تحلیل‌های توصیفی مربوط به آنها، تفاوت‌های موجود در به‌کارگیری راهبرد ایدئولوژیکی فاصله توسط مولفین، از نوع تفاوت‌های معنادار می‌باشند و می‌تواند در انتقال افکار نویسندگان به خوانندگان، بیشتر به نفع نویسنده بومی، تاثیر داشته باشد.

۴- نتیجه‌گیری

با بررسی کتاب‌های تاریخی مورد مطالعه، مشخص شد که نویسندگان بومی و غیر بومی با یادآوری اندک نام یا فعالیت‌های زنان، نسبت به نقش آنان در تاریخ ایران کم توجه بوده‌اند.

گویی نوعی نابرابری جنسیتی در کتاب‌های درسی تاریخ دانشگاهی وجود دارد که در قالب امری کاملاً طبیعی شده، در ذهن دانشجویان قرار می‌گیرد. از طرفی با توجه به آمارهای ارائه شده، ملاحظه می‌گردد که نویسندگان بومی از نقش زنان، اندکی بیشتر در روایت تاریخی خود یاد کرده‌اند اما آنها نیز با پیامدهای منفی به تصویر کشیده شده‌اند. در حقیقت با توجه به ذکر کمتر اسامی یا عملکرد زنان توسط نویسندگان غیربومی، می‌توان گفت که او با طفره رفتن از ذکر نقش زنان در رویدادهای تاریخی در دوران‌های مورد مطالعه قرار گرفته، در تلاش است سلطه مردان در تاریخ ایران را، با بزرگ‌نمایی فعالیت‌هایشان، بیشتر به رخ خوانندگان بکشد. بنابراین طبق رویکرد وندایک (1998) هر دو نویسنده ایرانی و خارجی بر اساس آمار و ارقام ارائه شده، با ذکر کمتر اسامی و فعالیت‌های زنان، از حاشیه‌راندن اعضای گروه دیگر، به عنوان یکی راه‌های ابراز ایدئولوژی‌های قدرت و سلطه استفاده کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که مردان با ایجاد فاصله بین «ما» (مردان) و «آنها» (زنان) سعی در بی‌توجهی به آنان و عدم پذیرش یا ندادن ترفیع به آنها به‌رغم شایستگی‌هایشان، دارند و در واقع با این عمل به نکات مثبت «ما» تأکید می‌ورزند و نکات مثبت «آنها» را به حاشیه می‌رانند. نکته قابل تأمل دیگری که وجود دارد این است که غیر از سلسله سلجوقیان، هر دو نویسنده بومی و غیربومی در مثال‌های ارائه شده، از ذکر نام زنان بدون اشاره به حضور یا فقدان آن در منابع تاریخی خودداری کرده‌اند و در واقع هویتی مستقل یا قابل توجه برای جنس مونث قائل نشده‌اند که همین امر نشان‌دهنده بی‌اهمیت جلوه دادن نقش زنان، توسط نویسندگان بومی و غیربومی، در تاریخ ایران است.

بنابراین با توجه به نتایج به‌دست آمده در بررسی کتاب‌های تاریخ دانشگاهی بومی و غیربومی، می‌توان ادعا کرد نویسندگان ایرانی و خارجی، با استفاده از تکنیک‌های متفاوت مانند راهبرد ایدئولوژیکی فاصله، در تلاشند این ایدئولوژی را به ذهن خوانندگان منتقل سازند که در یک جامعه مرد سالار، سرنوشت زنان جز این که در نقش‌های فرعی و کم‌اهمیت ظاهر شوند، نیست و بازتولید ایدئولوژیکی این نقش‌ها، باعث می‌شود تا این نقش‌ها در نظر زنان طبیعی جلوه کند و در نتیجه آنان این نقش‌های کم‌فروغ را راحت‌تر بپذیرند. به‌بیانی روشن‌تر در بررسی سلسله‌های تاریخی مورد بحث، غیر از ترکان خاتون و تا حدی زبیده‌خاتون که سنت‌ها و هنجارها را می‌شکنند و با به‌دست‌گیری نسبی قدرت در زمان خود، نقش مهمی را در تاریخ ایران برای خود رقم می‌زنند، در بقیه موارد بدون اشاره به نقش مهم زنان درباری

برای ایجاد و حفظ صلح بین دولت‌ها، فقط از نکاح آنان سخن به میان آمده، و درحقیقت برای زنان نقش و هنجاری جز ازدواج و فرزندآوری، چیز دیگری در نظر گرفته نشده است. به طور کلی می‌توان گفت که هر دو نویسنده بومی و غیربومی در کتاب‌های خود، با ذکر اندک اسامی و فعالیت‌های زنان، به نحوی ثابت کرده‌اند که رابطه میان زن و مرد در روایت‌های تاریخی بر روابط قدرت استوار است و حاکمیت مردان در سراسر روایت‌های تاریخی آشکار است. در این رابطه پیشوم معتقدند که نگاه به زنان در کتاب‌های درسی، نگاهی تحقیرآمیز است و آنان در نقش‌های ضعیف‌تر و منفعلانه‌تر نسبت به مردان ظاهر شده‌اند (2018: 117). هم‌چنین با توجه به نظریه وندایک (1998: 142) که یکی از راه‌های ابراز ایدئولوژی‌های قدرت و سلطه را به حاشیه‌راندن اعضای گروه دیگر می‌داند، نویسندگان بومی و غیربومی زنان را معمولاً تابع، منفعل، تسلیم نشان داده‌اند و با بهره‌گیری از ابزار ایدئولوژی‌های قدرت و سلطه، نقش بی‌بدیل و منحصر به فرد زنان ایرانی را در تاریخ، کم اهمیت جلوه داده‌اند. در واقع ایدئولوژی نابرابری جنسیت که توسط نویسندگان (به‌ویژه نویسنده ایرانی) کتاب‌های تاریخ دانشگاه به دانشجویان القاء می‌گردد، به‌طور حتم در آموزش نقش‌های جنسیتی، به نفع نقش جنس مذکر، مؤثر خواهد بود و افکار دانشجویان را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد؛ ولی در این میان دیدگاه مهمی که می‌تواند دانشجویان را به چگونگی مواجهه با بازنمایی واقعیت‌ها رهنمون سازد، همانا «تفکر نقادانه»^۱ است.

پی‌نوشت

- ۱- اطلاعات کتاب‌شناختی هر سلسله در این جدول آمده است و خوانندگان محترم می‌توانند در ارجاعات بعدی به این جدول مراجعه کنند.
 - ۲- به طور مثال در کتاب بومی تاریخ غزنویان به تعداد ۴۲ مورد از نقش‌های جنسیتی زنان یاد شده، به طور مثال: «ازدواج دختر سلطان محمود ص ۱۴۵»، «ازدواج دختر سلطان مسعود ص ۳۰۶» و «نیابت سیده برای زمامداری ص ۱۴۶». در کتاب غیربومی غزنویان نیز به تعداد ۷ مورد از نقش‌های جنسیتی زنان یاد شده است مانند: «نکاح خواهر سلطان محمود ص ۱۵۲»، «ازدواج دختر علی تکین ص ۱۶۶» و «ازدواج دختر محتشم ص ۱۴۵» که در این مثال‌ها تنها در مورد ازدواج زنان سخن به میان آمده است.
- همین‌طور در کتاب بومی تاریخ سلجوقیان به تعداد ۶۵ مورد از نقش جنسیتی یاد شده و از این عبارت‌ها برای نام بردن از زنان استفاده کرده است: «تلاش ترکان خاتون برای به سلطنت

1. critical thinking

رساندن محمود ص ۱۶۱ و ۱۶۲» «مبارزات ترکان با برکیارق ص ۲۵۵»، «ازدواج با دختر سابق الدین علی»، «تحریک همسر خویش ص ۲۵۹»، «نقش قدرت‌مند زنان ص ۲۳۶»، «نقش آفرینی زنان» و «زنان نام دار ص ۴۷۶»، که در تمام موارد با پیامدهای منفی بازنمایی شده است. در کتاب غیربومی بویل، ۱۳۸۵، نیز ۹۰ بار از نقش و فعالیت‌های زنان یاد شده که مانند کتاب بومی از نتایج مثبت برخوردار نبوده است مانند: «نفوذ فراوان ترکان خاتون ص ۱۳۸»، «ازدواج دختر ملک‌شاه سلجوقی با خلیفه ص ۱۳۵» و «تلاش زبیده خاتون برای سرکوب مخالفان ۱۴۶».

در کتاب بومی فروزانی، ۱۳۹۰، نیز ۲ بار از نقش زنان یاد شده است مانند: «اسارت خاتون همسر پادشاه ترک توسط امیر اسماعیل ص ۶۳» و «خواستگاری امیرنوح از دختر سیمجوری ص ۱۱۶»، که نویسنده بومی با به میان آوردن این مثال‌ها، نقش زنان را کوچک و بی‌اهمیت و تقلیل یافته به ازدواج نمایان ساخته است. نویسنده غیر بومی نیز هیچ‌ذکری از نقش جنس مونث نداشته است.

هم‌چنین در کتاب بومی فروزانی، ۱۳۸۹، به تعداد ۶۵ مورد از نقش جنسیتی یاد شده است که به‌طور مثال می‌توان به «ازدواج دختر ارسلان خان ص ۸۲» و «ازدواج حره زینب ص ۹۲ و ازدواج دختر قدرخان ص ۹۳» اشاره نمود که در تمام نمونه‌ها فقط به ذکر ازدواج زنان بسنده شده است. نویسنده غیربومی هیچ‌ذکری از نقش یا فعالیت جنس مونث نداشته است.

منابع

- بویل، جی. آ. ۱۳۸۵. *تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان*، ترجمه ج. انوشه. ج ۴. تهران: امیرکبیر.
- حسینی، آ. و حیدریان، ز. ۱۳۸۹. «نمود جنسیت در کتاب‌های درسی زبان انگلیسی دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی، تحلیل واژگان و محتوا با رویکردی معیار-مدار». *مجله مطالعات زبان و ترجمه*، دوره ۴۲ (۲): ۷۷-۹۲.
- فرای، ر. ن. ۱۳۸۵. *تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان*، ترجمه ج. انوشه. ج ۴. تهران: امیرکبیر.
- فروزانی، ا. ۱۳۸۹. *قراخانیان، بنیان‌گذاران نخستین سلسله ترک مسلمان در فرارود (آسیای میانه)*، تهران: سمت.
- فروزانی، ا. ۱۳۹۰. *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان*، تهران: سمت.
- فروزانی، ا. ۱۳۹۳. *سلجوقیان از آغاز تا فرجام*، تهران: سمت.
- فروزانی، ا. ۱۳۹۵. *غزنویان از پیدایش تا فروپاشی*، تهران: سمت.

- مانزلو، آ. ۱۳۹۵. *واساخت تاریخ، ترجمه م. مرادی سده. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.*
- میک، یان. ۱۳۹۳. *پژوهش و نگارش کتاب درسی، ترجمه ش. مرادزاده و ر. گلشایی. تهران: سمت.*
- Both, A. 2003. *Teaching History at Univeraity Enhancing Learning and Underestanding*, London: Blackwell.
- Cardozo, M.T.A.L. 2018 . *Analysing the spectrum of Female education leaders agency in islamic boarding schools in post- conflict ache*, Indonesia: Gender and Education. 847-863. Published online
<https://doi.org/10.1080/09540253.2018.1544361>.
- Cameron, R. 2003. *The History and Gender in Textbooks*, Second Series. CrossRef Publishing: Oxford.UK
- Chisholm, L. 2018. "Representation of Class, Race and Gender in Textbook". in *The Paigave Handbook Of Textbook Studies*, F. Eckhardt and B. Annekatrin. (Eds). Braunschwig: Germany.
- Coffin, C. 2014. *Historical Discours: The Language of Time, Case and Evaluation (Continuum Discourse,9)*, Bloomsbury publishing: London.
- Fried, F.J. 2000. *Stereotyping in children's materials*, East lansing: National Center for Research on Teacher Learning.
- Hakim, C. 1996. *Key Issues in Women's Work: Female Heterogeneity and the Polarisation of Employment*, Atlantic Highlands, Athlone: London.
- Johns, M.A. et al. 2008. *Discourse roles, gender and language text book dialogues: Who learns what from John and Sally?*, Gender education. Vol 9. Published online. <https://doi.org/10.1080/9540259721204>.
- Louise, M. 2004. *Become The man that Women Desire: Gender Identities Dominant in Email Advertising Language*, SageJournals. Language and Literature, International Jornal of Stylistics. Sage: Lodon.
- Moreau, J. 2011. *School Book Nation, Conflicts over American History Textbooks from the Civil War to the Present*, The University of Michigan Press: Michigan
- Pienta, R.S and Smith, A.N. 2012. "Women on the Margines: The Politics of Gender in the Language and Content of Science Textbooks". IN *The New Politics of the Textbook: Problematizing the Portrayal of Marginalized Groups in Textbooks*, Eds. H. Hickman and B.J. Profilio. Sense Publishe: Boston.
- Richardson, L. 2005. *The dynamics of sex and gender*, Boston: Houghton Mifflin.
- Riley N E. 2000. "Research on Gender in Demography: Limitation and Constrains". *Population Research and Policy Review*, Vol 17. (6): 521-538.
- Taylor, F. 2003. "Content analysis and gender stereotypes in children's books". *Teaching Society*, Vol 31(3): 300-311
- Van Dijk T. A. 1998. *Ideology a multidisciplinary approach*, London: Sage Publication.
- Van Dijk, T. A. 2004. *Ideology and discours*, London: Sage Publication.